

رضا زنگی‌آبادی\*

## سهم‌نویسنده برای نسل بعد

این روزها گاه‌گاهی در جلسات داستان‌خوانی به جوانانی برمی‌خوریم که تلاش می‌کنند شبیه شهریار مندنی‌پور بنویسند و ابایی هم از این ندارند که بگویند می‌خواستیم داستانی مثل شرق بنفشه بنویسیم. بسیاری سرگشته شرق بنفشه هستند. او تاثیر خودش را گذاشته است و ...

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین نویسندگان حال حاضر ایران است اما بحث درباره کار ادبی او در این مجال اندک نمی‌گنجد. این مطلب فقط سپاس دیر هنگام من از او و یادآوری منش کمیاب او به خودمان است. رفتاری که تاثیری غیرقابل انکار در کار نویسندگی من داشته است.

بیش از بیست سال از آن روزها می‌گذرد و روزهایی که من به توصیه مسعودی احمدی هشتمین روز زمین را خوانده بودم. آن سالها با احمد اکبریور در تهران با هم کار فیلم‌سازی می‌کردیم. کتاب دوم احمد و کتاب اول من همزمان چاپ شده بود. یکی از همان روزها خیلی کوتاه بدون آنکه فرصت گپ مفصلی پیش بیاید شهریار مندنی‌پور را همراه احمد دیدم. بعدتر احمد کتابم را گرفت و گفت همراه کتاب خودم می‌رسانم دست شهریار.

من نویسنده کتاب اولی آن روزها تصور نمی‌کردم که او کتابم را بخواند. این موضوع را فراموش کرده بودم تا روزی که احمد از شیراز برگشت و با همان لحن شوخی و جدی خاص خودش گفت: «شهریار کتابت رو خونده خیلی خوشش اومده.» من ناباورانه نگاهش کردم. بعد شماره شهریار مندنی‌پور را داد و گفت: «خودت زنگ بزنی صحبت کن.» زنگ زدم و خیلی کوتاه صحبت کردیم. گفت قرار است مجله‌ای دربیاوریم؛ داستان داری بفرست. مجله عصر پنجشنبه که کمی بعد درآمد و تا سالها بعد در می‌آمد.

شماره اول این مجله برایم بسیار عزیز است. مطلبی کوتاه که شهریار مندنی‌پور درباره سفر به سمتی دیگر مجموعه داستان اولم نوشته است در این شماره چاپ شده است؛ این در واقع اولین یادداشتی هم هست که درباره داستانها چاپ شده است؛ یادداشتی که انگیزه‌ای شد برای ادامه دادن و جدی گرفتن کار نویسندگی.

\*نویسنده

منبع: اعتماد